

مشروعیت زدایی از رژیم صهیونیستی؛ ستیز دیپلماتیک، تحریم‌ها و ابزار قانونی

نویسندگان: متیو اس. کوهن / چارلز دی. فرلیچ*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۵

ترجمه: محمد سالاری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۲۵

چکیده

امروزه دولت‌ها تهدیدهای نیروهای دولتی و همچنین بازیگران غیردولتی را چالش مهم امنیتی که در آینده با آن مواجه خواهند شد به شمار می‌آورند. در سال‌های اخیر تهدیدهای جدیدی از جمله مشروعیت‌زدایی، جنگ دیپلماتیک، تحریم‌ها و ابزارهای قانونی تحریم ظهور پیدا کرده است. کمپین‌های جنگ دیپلماتیک و مشروعیت‌زدایی برای تحریک افکار عمومی و جهت‌دهی به سیاست ملی به هدف ایجاد موانع برای ملت‌ها در راستای پی‌گیری اهداف خاصی سازمان‌دهی می‌شوند. در نوشتار حاضر نویسنده تهدیدات جدیدی چون جنگ دیپلماتیک، تحریم‌ها، محرومیت‌های بین‌المللی، به کارگیری ابزارهایی با پوشش قانونی که در جهت مشروعیت‌زدایی رژیم صهیونیستی به کار گرفته شده است را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. مبارزه مشروعیت‌زدایی در واقع از بدو تاسیس این رژیم در سال ۱۹۴۸ توسط اعراب آغاز شد و تاکنون گسترش بسیاری پیدا کرده و موارد عمده‌ای در سطح بین‌الملل، مؤید این نوع مبارزه می‌باشند. مبارزه مشروعیت‌زدایی برای امنیت این رژیم در دراز مدت می‌تواند تهدید و چالش راهبردی محسوب شود.

واژگان کلیدی: مشروعیت‌زدایی، جنگ دیپلماتیک، تحریم‌ها، به‌کارگیری پوشش‌های قانونی، محرومیت‌های بین‌المللی، تهدید و چالش راهبردی

* دانش‌آموخته دانشگاه هاروارد / پژوهشگر ارشد در مدرسه کندی دانشگاه هاروارد

** دانش‌آموخته روابط بین‌الملل از دانشگاه خوارزمی در مقطع کارشناسی ارشد std_salarm12@khu.ac.ir

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی-اسرائیل‌شناسی، سال شانزدهم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۴، صص ۷۲-۴۹

امروزه دولت‌ها تهدیدهای نظامی نیروهای دولتی (درون‌دولتی، بین‌دولتی) و همچنین بازیگران غیردولتی را متوجه امنیت خود دیده و در آینده با آن مواجه خواهند شد. در سال‌های اخیر تهدیدهای جدیدی از جمله مشروعیت‌زدایی و جنگ دیپلماتیک، بایکوت‌ها و ابزارهای قانونی تحریم ظهور پیدا کرده است. کمپین‌های جنگ دیپلماتیک و مشروعیت‌زدایی برای تحریک افکار عمومی و جهت‌دهی به سیاست ملی به هدف ایجاد موانع برای ملت‌ها در راستای پی‌گیری منافع خود سازمان‌دهی می‌شوند. با چنین تاکتیک‌ها و تدابیری تلاش می‌شود که توانایی یک ملت را در کاربست مناسب قدرت نظامی و دیپلماتیک کاهش داده و به‌طور موفق اعتبار آن را محدود کرده و حتی وجود یک حق ملی را به ظاهر غیرقانونی جلوه دهند. ابزارهای مورد استفاده برای اجرای این سیاست شامل مواردی چون محکومیت در مجامع بین‌المللی، تلاش برای تضعیف مناسبات دوجانبه با دیگر کشورها، استفاده از رسانه و رویدادهای عمومی برای اشاعه برداشت و تصورات منفی از یک کشور می‌باشند. هدف نهایی وادار کردن یک کشور برای تغییر سیاست و منفور ساختن آن است. بدین‌گونه توانایی یک ملت را در جهت رونق و حتی احیای آن را مورد تضعیف قرار می‌دهند. تلاش‌ها برای تحمیل تحریم‌ها و فشارها همچنین استفاده از پوشش قوانین بین‌الملل در مورد این موضوع به عنوان ابزارهای مناسب به‌کار گرفته می‌شوند. رژیم صهیونیستی بارها هدف عمده مشروعیت‌زدایی قرار گرفته است. دولت‌های عرب مبارزه مشروعیت‌زدایی خود را در سال ۱۹۴۸ آغاز کردند و بعد از آن کشورهای مختلف جهان سوم و انواع دیگر دولت‌ها و بازیگران غیردولتی به این جمع اضافه شدند. این نوع مبارزات که در دو دهه گذشته شتاب گرفته است، دو هدف اصلی را دنبال می‌کند:

اول با ایجاد فشارهای بین‌المللی بر این رژیم به دنبال تغییر سیاست و محدود کردن آزادی مانور نظامی و دیپلماتیک آن هستند؛ دوم با تلاش برای تضعیف جایگاه رژیم صهیونیستی در جامعه بین‌المللی و سرانجام تضعیف جایگاه آن در مذاکرات و جبهه‌گیری‌ها در نهایت به دنبال شکست نهایی این رژیم می‌باشند. بخش عمده‌ای از این مبارزات در سازمان ملل، مجامع بین‌المللی، رسانه‌ها، دادگاه‌ها و حوزه‌های اقتصادی صورت گرفته است. در پاسخ رژیم صهیونیستی برای مقابله با

مشروعیت‌زدایی از اسرائیل و همچنین ترویج یک تصویر مثبت از این رژیم تلاش کرده است. مهم‌ترین تلاش‌های موجود در مورد مشروعیت‌زدایی بر موارد و جنبه‌های خاصی از مبارزات متمرکز بوده است. پاسگال ونسون، نیکلاس راج کوئیک و جرالد استنبرگ چگونگی استفاده تاکتیک‌های مشروعیت‌زدایی سازمان‌های غیردولتی علیه رژیم صهیونیستی و چگونگی واکنش و پاسخ اسرائیل به آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. دیگران تاکتیک‌ها و راهبردهای خاص قانونی را تحلیل و بررسی کرده‌اند. لوری بلاتک از اقدامات اسرائیل در جنگ ۲۰۰۸ غزه و جایگاه آن در چارچوب حقوق بین‌الملل تحلیل و بررسی دقیقی فراهم آورده و برای تاکتیک‌های مورد استفاده علیه این رژیم یک ارزیابی قانونی را پیشنهاد می‌کند. ایال ویزمن با توجه به جنگ ۲۰۰۸ غزه، راهبردها و ابزارهای قانونی اسرائیل را که برای تقویت دفاع از خود در مقابل این‌گونه حملات (با ابزارهای قانونی) بود، مورد بررسی قرار می‌دهد. پیتر برکویتز قانونی بودن اقدامات رژیم صهیونیستی در طی جنگ ۲۰۰۸ غزه و حادثه ماوی مارمارا ۲۰۱۰ را کاوش و بررسی می‌کند. او با در نظر گرفتن چگونگی واکنش این رژیم به حملات، راهبردهایی که برای مشروعیت‌زدایی اسرائیل به کار برده شده است را ارزیابی می‌کند. جنبش تحریم‌ها، بایکوت و محرومیت، وابستگی اسرائیل به تعامل فناوری، علمی و اقتصادی با دیگر کشورها را نشانه‌گیری می‌کند. ابیگل باکان و یاسمین ابولابان یک بررسی کلی از تاکتیک‌ها و اهداف جنبش تحریم، ارایه و همچنین در مورد اثرپذیری و کارآمدی آن بحث و گفتگو می‌کنند. به‌طور گسترده هنوز تعریف مشخص از واژه لافر (Law fare) یا تصویر روشن از چگونگی کاربرد آن در رابطه با دیگر تاکتیک‌های مورد بحث وجود ندارد. اولین بار یک وکیل نظامی آمریکایی در سال ۲۰۰۱ این واژه را به کار برد. وی آن را به‌عنوان راهبرد استفاده یا به کار بردن نادرست قانون به‌عنوان یک جایگزین ابزارهای نظامی سنتی برای رسیدن به اهداف موثر و عملیاتی تعریف کرد. بلاتک با این استدلال که لافر شامل دست‌کاری قوانین بین‌المللی بشردوستانه توسط بازیگران غیردولتی برای به تصویر کشیدن قدرت نظامی قوی‌تر به عنوان کاربرد زور در یک رویه نامشروع می‌شود، این ایده را بسط و گسترش داد. وی علاوه بر آن استدلال می‌کند که این واژه تخطی عمدی از قوانین بین‌الملل توسط یک طرف به‌منظور به‌دست آوردن امتیاز بیشتر از دیگر بازیگرانی که در تلاش برای پایبندی به آن هستند را شامل می‌شود. افزایش اینبار معتقد است که واژه لافر کاربرد ابزارهای قضایی جهانی

برای راه‌اندازی دعای حقوقی در دادگاه‌های غربی را شامل شده که از طریق آن می‌توان در جهت مجرم شناختن یک کشور به‌واسطه مقامات نظامی و دولتی آنها تلاش کرد

یک. مبارزه مشروعیت‌زدایی

نتیجه دهه‌ها جنگ دیپلماتیک علیه اسرائیل با سیاست‌های بحث‌برانگیز خاص این رژیم همراه بوده و جایگاه دیپلماتیک و چهره بین‌المللی آن را با تضعیف جدی روبه‌رو ساخته است. در سال ۲۰۱۳ بی‌بی‌سی از شهروندان ۲۵ کشور نظرسنجی به عمل آورد که ۲۱ درصد نگاه مثبت و ۵۲ درصد آنها دیدگاه منفی به این رژیم نشان دادند. طبق این نظرسنجی اسرائیل چهارمین کشور منفور و بدنام جهان شناخته شد. گروه‌ها و سازمان‌های مختلفی در ارتباط با اسرائیلی‌ها و شرکت‌های اسرائیلی همچنین شرکت‌هایی که محصولات این رژیم را به فروش می‌رساند، تحریم‌هایی را تحمیل کرده‌اند. مقامات اسرائیلی و سخنرانان و تریبون‌های طرفدار این رژیم فعالیت‌های ضداسرائیلی بی‌شماری را در سراسر جهان به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی، خنثی کرده‌اند. امروزه بسیاری از رویدادهای مهم از جمله جبهه‌گیری‌های نظامی هم در شبکه‌های اجتماعی و هم در اخبار بین‌المللی با تأثیرات عمیقی بر افکار عمومی به‌سرعت و بلافاصله منتشر می‌شوند. این پوشش فشرده با افشای اشتباهات بزرگ غم‌انگیز و فاجعه‌بار که البته جزو لاینفک مبارزه است و همچنین با نشان دادن تصاویری که به نظر برای ناظرانی که به طبیعت مبارزه و استفاده بیش از اندازه خشونت ناآشنایند، مشروعیت یک مبارز جنگجو را تضعیف و از بین می‌برند. رسانه‌ها اغلب ادعاهای فلسطینیان مبنی بر ارتکاب جرایم جنگی توسط اسرائیل را می‌پذیرند و تلاش این رژیم برای ارایه اطلاعات را نادیده می‌گیرند.

حزب‌الله، حماس، دولت خودگردان فلسطین و دیگر گروه‌ها به دنبال این هستند که از رسانه در جهت تخریب مشروعیت عملیات نظامی اسرائیل و مقاومت اجتماعی آن استفاده کرده و حمایت افکار عمومی داخلی خود را بیشتر کنند. این گروه‌ها با به تصویر کشیدن غیرنظامیان به‌عنوان پوشش انسانی تلفات و صدمات وارد شده را بزرگ‌نمایی می‌کنند. با این وجود به‌نظر می‌رسد طرف قوی‌تر با یک ارتش منسجم و قوی در یک چهره ظالمانه پدیدار می‌گردد،

در حالی که بازیگران غیردولتی به عنوان نیروهای ضعیف‌تر قهرمان و بی‌باک دیده می‌شوند طرف قوی‌تر برای به کارگیری از قدرت نظامی تحت فشار قرار می‌گیرد و طرف ضعیف‌تر دست‌بازتر و امتیاز بیشتری پیدا می‌کند علاوه بر آن، این طبیعت پوشش رسانه‌ای است که در حالی که چشم خود را بر ارباب و تهدید گزارشگران فلسطینی و استخدام رایج خبرنگاران متعصب محلی می‌بندد، به‌طور ماندگار تصاویری به حمایت از تظاهرکنندگان، بچه‌ها، و چریک‌های مسلح منتشر می‌کند با وجود این تصاویر پیچیده، رژیم صهیونیستی یک جامعه بازی است که توسط دولت‌های ائتلافی اداره شده و با مبارزات داخلی دست و پنجه نرم می‌کند که پیام‌های ضدونقیضی را ارسال می‌کنند در مقابل، دولت خودگردان فلسطین و حماس ذاتاً مطلقه و دوردور پیام ساده‌تر و روشن‌تری را ارسال می‌کنند یک مولفه جدید در مبارزه مشروعیت‌زدایی استفاده از پوشش قانون است که توسط گروه‌های پارتیزان، سازمان‌های غیردولتی و دولت‌ها برای اهداف سیاسی انجام می‌گیرد، اما باید گفت اغلب انتظار اندکی می‌رود که این مورد موفق شده یا که بتواند تاوان قربانیان مبارزه را جبران کند با اتکا به اصل صلاحیت قضایی جهانی، فعالین ضد رژیم صهیونیستی علیه مقامات و رهبران ارشد اسرائیلی تلاش کرده‌اند که موارد کیفری را در دادگاه‌های غربی وارد کنند پوشش زبان قانونی برای کمپین مشروعیت‌زدایی اعتباری را به عاریه می‌گیرد که آزادی استفاده از نیروهای نظامی اسرائیل را محدود می‌کند با آگاهی از نقص عمده قوانین بین‌الملل که اسرائیل در تلاش برای بررسی آن است، حزب‌الله و حماس رژیم صهیونیستی را در موضع ضعف قرار می‌دهند چنین نقایصی ذخیره‌سازی مهمات در مساجد، بیمارستان‌ها و مدارس، شلیک راکت‌ها از مناطق مسکونی، عدم پوشش یونیفورم را شامل می‌شود.

سازمان ملل

سازمان ملل متحد یک محل مرکزی برای کمپین مشروعیت‌زدایی است که شامل مجمع عمومی، شورای امنیت، کمیسیون‌ها و شورای مختلف، سازمان‌های تخصصی و در واقع همه انجمن‌های این سازمان می‌شود در مواجهه با اکثریت مسلمان، اعراب و کشورهای جهان سوم و با توجه به سه نشست بی‌سابقه مجمع عمومی سازمان ملل در مورد اسرائیل در سال ۲۰۰۳، این

رژیم غالباً از جلوگیری این نوع مبارزه ناتوان بوده است. بیشتر سال‌ها چهار یا پنج ملت با یک قطعنامه مجمع عمومی محکوم به نقض حقوق بشر هستند. در سال ۲۰۰۴ در ارتباط با رژیم صهیونیستی هجده قطعنامه و در سال ۲۰۰۷ نوزده قطعنامه وجود داشت. در سال ۲۰۱۲ از ۲۶ قطعنامه تصویب شده مجمع عمومی در انتقاد از دولت‌ها ۲۲ قطعنامه مربوط به اسرائیل می‌شد. در ۲۰۱۳ مجمع ۲۵ قطعنامه به تصویب رساند که ۲۱ مورد از آنها علیه این رژیم بوده و اعلام کردند که سال ۲۰۱۴ سال فلسطین باشد. مجمع عمومی سازمان ملل همچنین ایالات متحده آمریکا را برای حفظ روابط با این رژیم مورد انتقاد قرار داده است. در مقابل تنها یک قطعنامه در مورد تروریست‌هایی است که علیه اسرائیل محکوم شدند. تمرکز بر فعالیت رژیم صهیونیستی تنها محدود به مجمع عمومی نمی‌شود، بلکه یک‌سوم از فعالین شورای امنیت چنین توجه ویژه‌ای را به مساله اسرائیل دارند. سازمان ملل متحد در ارتباط با مبارزه فلسطین-اسرائیل چهار واحد اجرایی ویژه دارد. این واحدها کمیته حقوق مسلم مردم فلسطین، کمیته ویژه بررسی تاثیر عملکرد رژیم صهیونیستی بر حقوق انسانی مردم فلسطین، کمیته سیاسی اجتماعی و کمیته استعمارزدایی، کمیته امداد و کار اجتماعی را شامل می‌شود. درحالی‌که تمام پناهندگان دیگر در سراسر جهان به کمیساریای عالی پناهندگان مربوط می‌شوند، کمیته ویژه امداد و کار سازمان ملل به‌طور ویژه صرفاً برای رسیدگی به پناهندگان فلسطینی شکل گرفته و همچنین تنها عضو این سازمان است که همواره برای کمک به گروه خاصی از مردم آواره در جنگ بنا شده است. کمیته امداد و کار سازمان ملل از این لحاظ منحصر به فرد است که نه تنها آنهایی که از جنگ فرار کرده، بلکه همچنین همه فرزندان آنها را در تعریف خود از پناهندگان می‌آورد. به‌طور کلی این سازمان‌ها فشار سنگینی بر رژیم صهیونیستی وارد می‌کنند.

در سال ۲۰۱۱ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به این خاطر تالیس شده که به رشد و حفظ حقوق بشر کمک کند. چین، کوبا، قطر، عربستان سعودی، اوگاندا و در گذشته رهبران لیبی و سودان به‌عنوان برخی از سوءاستفاده‌کنندگان حقوق بشر معرفی می‌شدند. تقریباً یک‌سوم قطعنامه‌های این شورا بر مساله اسرائیل متمرکز بوده است. مورد هفتم یک دستور کار دائمی بود که به موارد نقض حقوق بشر از جانب اسرائیل اختصاص پیدا کرد. در بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ این

شورا ۱۴۶ قطعنامه را به تصویب رساند که ۴۳ تا از آن علیه رژیم صهیونیستی و ۱۹ نشست اضطراری بر مبنای موضوع اسراییل برگزار گردید در مقابل این شورا حتی یک قطعنامه علیه عربستان سعودی، چین یا زیمبابوه صادر نکرد و هیچ‌گونه نشست اضطراری در مورد رواندا، دارفور سودان، پاک‌سازی قومی در یوگسلاوی یا کشتار و قتل عام در تیمور شرقی برگزار نکرد به طور کلی اسراییل از همکاری با بازرسان و نهادهای سازمان ملل امتناع کرده و رفتار شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را خصمانه می‌داند در رابطه با استقرار هیات بازرسی در شهرک‌های یهودی، رژیم صهیونیستی همه روابط کاری خود را به حالت تعلیق درآورده و اعلام کرد از ورود تیم بازرسی سازمان ملل به کرانه باختری جلوگیری می‌کند در سال ۲۰۱۳ زمانی که اسراییل در ابتدا از شرکت در جلسات بررسی جهانی شورا که وضعیت حقوق بشر را در تمام دولت‌های عضو بررسی می‌کرد، امتناع ورزید، این رژیم تنها دولتی بود که حاضر به همکاری با شورا نشد به دلیل نگرانی از اینکه دیگر کشورها بخواهند چنین رفتاری را درپیش گیرند، تحت اقدامات فشار شدید برای مشارکت، رژیم صهیونیستی سرانجام پذیرفت و اطمینان داد که در آینده به صورت منصفانه رفتار خواهد کرد بدین طریق مورد هفتم که مختص به نقض حقوق بشر از سوی این رژیم بود، لغو شد و اسراییل در گروه دولت‌های غربی قرار گرفت در نوامبر ۲۰۱۲، مجمع عمومی سازمان ملل بعد از ناکامی از پیشنهاد خود از شورای امنیت در مورد استقلال کامل دولت فلسطین، وضعیت دولت ناظر غیرعضو را به فلسطینیان اهدا کرد استدلال رژیم صهیونیستی بر این مبنا بود که چون فلسطینی‌ها هرگز یک سرزمین و جمعیت پایدار و مشخصی نداشته‌اند، صلاحیت یک دولت مستقل را ندارند علاوه بر این، رژیم صهیونیستی معتقد است که دولت مستقل تنها با تصمیم به مذاکره کردن امکان‌پذیر می‌شود، اما فلسطینیان برای تصدیق نگرانی‌های امنیتی اسراییل تلاشی صورت نداده است رژیم اسراییل در تحت فشار قرار دادن فلسطینی‌ها برای جلوگیری از تلاش‌های آنها و همچنین دولت‌های عضوی که علیه دولت مستقل رای داده‌اند، با ایالات متحده آمریکا همکاری به عمل آورد پیش از رای‌گیری، این رژیم نگرانی خود را از پیامدهای دیپلماتیک آن اعلام کرده و نگران بود که قطعنامه به فشارهای بیشتر برای اعطای امتیازات منجر شود و فلسطینیان برای پیوستن به دادگاه کیفری بین‌المللی تلاش بیشتری کنند

کنفرانس دوربان

راهبرد دوربان (که بعداً به کنفرانس ۲۰۰۱ سازمان ملل علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی که در دوربان آفریقای جنوبی برگزار شد، نام گرفت) به همراه مجمع عمومی، اتحادی از اعراب، مسلمانان و کشورهای جهان سوم را به هدف مشروعیت‌زدایی اسرائیل ایجاد کرد. تلاش‌ها و اقدامات علیه اسرائیل با استفاده از زبان حقوق بشر، کمک‌های بشردوستانه همچنین به همراه کمپین رسانه‌ای گسترش پیدا کرد. راهبرد دوربان خیلی سریع بعد از فروپاشی مذاکرات صلح و آغاز انتفاضه دوم، از شورش‌های خشونت‌آمیز رژیم صهیونیستی انتقاد کرده و صهیونیسم را با نژادپرستی برابر دانسته (بازتابی بر بی‌اعتباری و لغو قطعنامه ۳۳۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل) و آن را به آپارتاید و جنایات بشردوستانه علیه بشریت شامل پاک‌سازی قومی و نسل‌کشی متهم کرده و خواستار انزوای کامل، تحریم‌های اجباری و پایان روابط دیپلماتیک با این رژیم شدند. این نتیجه یک طرفه از آغاز روشن بود زمانی که رژیم صهیونیستی از کنفرانس‌های مقدماتی که شامل یک سند پیش‌نویس که به ادعای اسرائیل یهودستیزانه بود، محروم می‌شد. سند نهایی هیچ اشاره‌ای به تروریسم بودن فلسطینی‌ها نداشت. بنابراین راهبرد دوربان به‌عنوان آغاز یک مرحله مهم که تلاش می‌کرد مقامات اسرائیلی را در دادگاه‌های خارجی محاکمه و به دیگر اقدامات مشروعیت‌زدایی اعتبار بخشد، نقطه عطف بسیار مهمی محسوب می‌شد.

دو. پرونده‌های قضایی علیه مقامات اسرائیلی

نخستین تلاش برای محاکمه مقامات اسرائیلی در دادگاه‌های خارجی در بلژیک در سال ۲۰۰۱ صورت گرفت؛ زمانی که با توسل به اصل صلاحیت قضایی جهانی، اتهامات حقوقی علیه آیرن شارون، نخست‌وزیر اسرائیل، به‌خاطر نقش غیرمستقیم او در کشتار فلسطینی‌ها در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا در طی تهاجم ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان مطرح شد. اما از آنجایی که شارون مصونیت قضایی داشت، پرونده اتهام او رد شد و بلژیک برای جلوگیری از مطرح شدن چنین مواردی در آینده به اصلاح قوانین خود پرداخت. تهدید به پیگرد قانونی و ترس از دستگیری، بسیاری از مقامات رژیم صهیونیستی به‌ویژه برخی که با اتهاماتی مواجه بوده‌اند یا

همچون وزیر دفاع سابق این رژیم ایهود باراک و تزیبی لیونی، وزیر خارجه سابق که زمان کوتاهی هم توقیف بوده‌اند را وادار کرد سفرهای خود به لندن را لغو کنند تحت قوانین انگلیس و بر مبنای اصل صلاحیت قضایی جهانی، هر فردی می‌تواند از دادگاه حکم و دستور بازداشت برای جرایم جنگی که در هر جایی از جهان اتفاق می‌افتد را داشته باشد اسرائیل به منظور تغییر این نوع قوانین فشارهایی را بر انگلیس اعمال کرده و دولت آن تلاش‌هایی را برای تغییر این قوانین انجام داده است. ولی باید اذعان کرد این تغییرات خطرات را از بین نبرده است. از سال ۲۰۰۹ تا آوریل ۲۰۱۲ تشکیلات خودگردان فلسطین بارها و بارها حتی قبل از دیوان کیفری بین‌المللی در مورد اتهامات مربوط به حمله کشتی‌های آزاد غزه در سال ۲۰۰۹ تلاش کردند که مقامات این رژیم را پای میز محاکمه بکشانند هرچند به خاطر دولت نبودن تشکیلات خودگردان، دیوان اعلام کرد که نمی‌تواند این موارد را بررسی کند در سال ۲۰۰۵ سه مورد در مرکز حقوق اساسی ایالات متحده آمریکا مطرح شد. مورد اول در مورد اتهام موشه یالون، فرمانده ستاد کل نیروهای دفاعی اسرائیل، بود که به جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، قتل، شکنجه‌ها و مجازات‌های خفت‌بار غیرانسانی و بی‌رحمانه، بمب‌گذاری در طی عملیات ۱۹۹۶ علیه حزب‌الله متهم شد. وی به خاطر مصونیت امنیتی از محاکمه تبرئه شد. مورد دوم مرکز حقوق اساسی ایالات متحده آمریکا در ارتباط با چند فرد، علیه شرکت صنایع سنگین آمریکا (کاترپیلار) برای مسئولیت آن در مورد مرگ یک فعال توسط بولدوزر، اتهاماتی را وارد ساخت. این دادخواست به خاطر مساله سیاسی رد شد. مورد سوم که توسط مرکز حقوق اساسی آمریکا و مرکز حقوق اساسی فلسطین مطرح شد، در مورد آوی دیکتر، مدیر سابق سرویس امنیت داخلی رژیم صهیونیستی (شین بت) بود که به جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، قتل، شکنجه و مجازات‌های خفت‌بار غیرانسانی و بی‌رحمانه همچنین مرگ فلسطینیان کشته شده در حمله هوایی متهم می‌شد. این مورد هم به خاطر مساله مصونیت کنار گذاشته شد. بعد از ناکامی پی‌گیری‌های قضایی در آمریکا، سازمان‌های غیردولتی مواردی را در اروپا پی‌گیری کردند در سال ۲۰۰۹ یک قاضی اسپانیایی برای بررسی مسائلی اعلام رسمی کرد، ولی بعد از درخواست رژیم اسرائیل از وزارت خارجه این کشور این مورد هم به سرانجامی نرسید رژیم صهیونیستی با تجسس و بررسی‌های خود دیگر دادگاه‌ها را قادر ساخته

که چنین مواردی را نپذیرند به طور کلی این رژیم با اتکا بر اصل فشار سیاسی و مصونیت که مهم‌ترین ابزار آن بوده، توانسته از چنین پیگردهای قضایی جلوگیری و این اقدامات را به شکست منتهی کند. دلیل دیگر، در خطر دایمی بودن تروریسم است که این رژیم از آن بهره برده و اقدامات دفاع از خود را مشروع جلوه داده است. به‌رغم تلاش‌های بسیار می‌توان گفت که هنوز هیچ پیگرد قضایی موفق در مورد مقامات اسرائیلی در دادگاه‌های خارجی صورت نگرفته است.

دیوار امنیتی

رژیم صهیونیستی در مواجهه با موج گسترده تروریسم، در سال ۲۰۰۲ برای بازداشتن توانایی تروریست‌ها به داخل این رژیم ساخت یک دیوار امنیتی را آغاز کرد. در نتیجه ساخت چنین دیواری در مقیاس بزرگ در اقدامات ترور کاهش چشم‌گیری به‌وجود آورد. گروه‌های فلسطینی و سازمان‌های غیردولتی قبل از دیوان دادگستری بین‌المللی و دیوان عالی رژیم صهیونیستی به‌دلیل اینکه بخشی از این دیوار از سرزمین فلسطین می‌گذرد، قانونی بودن آن را زیر سوال بردند. این رژیم تهدید سازمان‌های غیردولتی را تا قبل از مورد شارون مهم نمی‌دانست. اکنون این سازمان‌ها از حوزه اختیار و بی‌طرفی خود برای مقابله با رژیم صهیونیستی و نفوذ بر تصمیم‌گیرندگان و همچنین افکار عمومی استفاده می‌کنند. این رژیم تلاش کرده که دیوان دادگستری بین‌المللی را از بررسی و شنیدن چنین مواردی منصرف کند و مدعی است که حوزه صلاحیت قضایی به دادگاه‌های اسرائیل مربوط می‌شود. رژیم صهیونیستی همچنین از ایالات متحده آمریکا، دولت‌های اروپایی و دیگرانی که معتقدند این دادگاه جای طرح مساله سیاسی نیست، کمک گرفته است. در پاسخ، دیوان یک رای مشورتی غیرالزام‌آور را در سال ۲۰۰۴ صادر کرد و به این نتیجه رسید که این دیوار ذاتاً نقض حقوق بین‌الملل نبوده، بلکه ساخت آن تنها در سرزمین کرانه باختری رود اردن صورت گرفته است. در ژوئیه ۲۰۰۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به‌طور قاطع بر حکم دیوان تاکید کرده و از اسرائیل خواست حکم را بپذیرد و بدین منظور اعضای سازمان ملل را برای همراهی با این الزامات قانونی فرا خواند. مورد دیوار امنیتی علاوه بر این نشان از گسترش راهبرد این رژیم برای مقابله با لاوهر (مبارزات با ابزار قانون) می‌باشد.

کشتار جنین

در سال ۲۰۰۲ در انتفاضه دوم و در پاسخ به یک حمله تروریستی که در هتل پارک در نتانیا رخ داد، ۲۹ نفر کشته و ۱۶۰ نفر زخمی شدند. نیروهای دفاعی اسرائیل در عملیاتی به‌منظور بازداشت و توقیف تروریست‌ها وارد اردوگاه پناهندگی جنین شدند. گروه‌های ضد اسرائیلی با پررنگ جلوه دادن عملیات کشتار جنین، مدعی شدند که این رژیم ۵۰۰ نفر را به قتل رسانده و سازمان ملل متحد را برای گماشتن تیم حقیقت‌یاب به منظور بررسی جنایات جنگی اسرائیلی تحت فشار قرار دادند. این گروه از سه عضو مشهور به اعتقادات ضداسرائیلی تشکیل می‌شد. اما این رژیم از همکاری با این گروه حقیقت‌یاب امتناع ورزید و در نتیجه این تیم منحل شد. سرانجام در گزارش دبیرکل سازمان ملل مشخص شد که ۲۵ نفر که نصف آنها غیرنظامی بودند، در این عملیات کشته شدند. رژیم صهیونیستی که به حملات تروریست‌ها پاسخ نظامی داد، توسط سازمان‌های غیردولتی محکوم و سپس تقاضاها و درخواست‌ها (معمولا مطرح شده از سوی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل) برای بازرسی‌های مستقل هم بر این مورد اضافه شد. اعضای تیم بازرسی معمولا اعتقادات ضداسرائیلی داشته و گزارش‌های آنها بر دیدگاه‌های قانونی سوال‌برانگیز و محاسبات عینی مبتنی شده بود.

جنگ دوم لبنان

بسیاری از سازمان‌های دولتی در شروع جنگ دوم لبنان در سال ۲۰۰۶ به سرعت هر دو طرف جنگ (نیروهای دفاعی رژیم اسرائیل و حزب‌الله) را محکوم کردند. اما با وجود این، بیشتر انتقادات از جمله اتهامات جنایات جنگی متوجه رژیم صهیونیستی بود. دیدبان حقوق بشر سازمان ملل این رژیم را به خاطر هدف قرار دادن کاروان‌های آزادی و تعدد غیرنظامیان، حمله هوایی به غیرنظامیان در حال فرار و عدم تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان، مورد اتهام قرار داد. رژیم صهیونیستی با انکار کلی این اتهامات و اینکه این نوع عملیات در راستای دفاع از خود بود، به این حملات و انتقادات قانونی پاسخ داد و عنوان کرد طرفی که به‌طور عمد غیرنظامیان را هدف قرار داده، حزب‌الله لبنان بوده است. دولت یهودی خیلی زود تاکتیک‌های خود را تغییر داده و شروع

به پاسخگویی اتهامات به صورت جداگانه نمود. رژیم صهیونیستی مدعی بود که غیرنظامیان را قبل از حمله نظامی مطلع ساخته و تنها مراکز موشکی و ساختارهای نظامی را هدف قرار داده بوده است. اسرائیل حزب‌الله را به خاطر جای‌سازی عمدی تسلیحات در داخل جمعیت‌های غیرنظامی مقصر دانست. این رژیم از گروه‌های طرفدار اسرائیلی که معتقد به یک‌طرفه بودن سازمان‌های غیردولتی و دیدبان حقوق بشر بودند، درخواست کمک و همکاری کرد. پیش از این سازمان‌های غیردولتی که دولت یهودی را زیر سوال می‌بردند، قانوناً از تحت فشار قرار دادن مصون بودند، اما اکنون رژیم صهیونیستی و طرفدارانش بی‌طرفی آنها را زیر سوال برده و برای کاهش این انتقادات تلاش بسیاری انجام داده‌اند.

حادثه بیت‌هانون

رژیم صهیونیستی در نوامبر ۲۰۰۶ به دلیل کشتار عمدی ۱۹ غیرنظامی در شهر بیت‌هانون غزه مورد اتهام قرار گرفت. اسرائیل مدعی بود به خاطر درست عمل نکردن سیستم‌های هدایتی در مسیر عملیات توقف موشک‌ها این اتفاق صورت گرفته و برای مجروحان غیرنظامی کمک‌های بشردوستانه را پیشنهاد کرده و برای وقوع این حادثه اظهار تاسف کرد. این رژیم مقصر این حادثه را حماس می‌دانست که باعث خشم و عملیات دولت یهودی شده بود. کمیسار عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد طی گزارشی مدعی شد که اسرائیل حقوق بشر و قوانین بشردوستانه را نقض و شکنجه‌های جمعی را بر مردم غزه تحمیل کرده است. اسرائیل با این تفکر که اعضای تیم حقیقت‌یاب سازمان ملل تعصبات ضداسرائیلی داشته، با دسترسی آنها به بخش‌هایی از بیت‌هانون موافقت نکرد. این رژیم حتی سازمان ملل متحد را برای نادیده گرفتن تروریسم، نگاه یک‌طرفه و ناعادلانه نسبت به درگیری‌ها، مورد انتقاد جدی قرار داد. گزارش سازمان ملل راهبرد عدم همکاری این رژیم با بازرسان که درست قبل از عملیات کاست لید در غزه می‌آمدند را تضعیف و همچنین به چهره بین‌المللی آن آسیب وارد ساخت.

رژیم صهیونیستی در دسامبر ۲۰۰۸ در پی ماه‌ها حملات موشکی، عملیات کاست لید را علیه حماس در غزه آغاز کرد. برطبق دیدگاه شخصیت‌های نیروهای دفاعی اسرائیل ۱۱۶۶ نفر از غزه کشته شدند که ۷۹ نفر آنها غیرنظامی بودند اما گروه‌های حامی فلسطین مدعی بودند که تلفات افراد بی‌گناه خیلی بیشتر از این ارقام بوده و میزان آسیب‌دیدگی ساختمان‌ها و بناها بسیار زیاد بوده است. سازمان‌های غیردولتی در این مورد نسبت به گذشته خیلی موضع انتقادی‌تری گرفته و درحالی‌که خصومت‌ها و دشمنی‌ها به قوت خود باقی می‌ماندند، از سوی سازمان ملل درخواست بررسی و تحقیق را داشتند این سازمان‌ها با بهره‌گیری از زبان قوانین بین‌الملل، اسرائیل را به کشتار و قتل غیرنظامیان و همچنین دیگر جنایات جنگی متهم کردند این مسائل به طور گسترده و خیلی زود در رسانه‌ها انتشار پیدا کرد. دیدبان حقوق بشر سازمان ملل متحد در شروع درگیری‌ها بیانیه‌ای مبنی بر نقص نمایندگی این سازمان که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل اعطا گردیده بود، منتشر ساخت و از این رژیم درخواست کرد که نیروهای نظامی خود را از غزه بیرون کشیده و هدف قراردادن غیرنظامیان، پرسنل و امکانات پزشکی و تخریب میراث فرهنگی مردم فلسطین را متوقف سازد. شورای حقوق بشر سازمان ملل برای بررسی و مشاهده آسیب‌ها و خسارات ورود یک گروه بازرسی را ضروری دانست. این شورا به همراه اتحادیه عرب، دولت خودگردان فلسطین و بسیاری از سازمان‌های غیردولتی برای بررسی جنایات این عملیات درخواست رسمی را به دیوان دادگستری بین‌المللی فرستادند. حماس عمداً نیروهای نظامی خود را در میان غیرنظامیان قرار داد، اما از جنگ ۲۰۰۶ لبنان درس گرفته بود. اکنون این عملیات از سوی رژیم صهیونیستی از دیدگاه کارشناسان حقوق بین‌المللی بازتاب بی‌سابقه‌ای را در پی داشت. این کارشناسان به توسعه و آموزش پرسنل نیروهای دفاعی این رژیم در تاکتیک‌های نظامی که آنها را با پیروی از قوانین بین‌الملل در هدایت مؤثر جنگ قادر می‌ساخت، کمک کردند. تاکتیک‌ها و روش‌های جدید از جمله صدها هزار تماس تلفنی برای هشدار به مردم در خطر حمله که آنها را برای ترک محیط‌های در خطر قادر می‌ساخت، جهت اجتناب و جلوگیری از تلفات غیرنظامی طراحی شدند وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی و

گروه‌های طرفدار اسرائیلی برای دفاع از این رژیم در مقابل حملات انتقادی سازمان‌های غیردولتی شدیداً کار کردند. اسرائیل برای بررسی وضعیت بشردوستانه شرایطی را ایجاد کرد که در آن بسیاری از سازمان‌های غیردولتی چون آژانس کار و امداد سازمان ملل متحد برای پناهندگان فلسطینی در خاور نزدیک، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا برای کمک و حصول اطمینان در استمرار منابع آبی، برقی و گاز با مقامات اسرائیلی دیدار به عمل آوردند. در طی عملیات کاست لید برخلاف جنگ طولانی‌تر ۲۰۰۶ لبنان رژیم صهیونیستی جلسات مطبوعاتی بسیاری برگزار کرد که در آن به ماهیت بی‌اساس حمله اسرائیل به غیرنظامیان تاکید کرد. همچنین در مورد اینکه این رژیم اجازه ورود به غزه را داشته و تلاش‌های آن برای جلوگیری از تلفات غیرنظامیان و کمک‌های بشردوستانه بوده، بحث و گفتگو شد. اسرائیل همچنین با اعلام تحقیقات مربوط به اتهامات مطرح شده از سوی سازمان‌های غیردولتی، می‌خواست حملات و انتقادهای این سازمان‌ها را خنثی کند. سرانجام مشخص شد که اگرچه اشتباهاتی از سوی این رژیم صورت گرفته بود، اما جزء جنایات جنگی نبوده است. افزون بر این، گروه‌های طرفدار اسرائیل اعتبار سازمان‌های غیردولتی را زیرسوال بردند و رژیم صهیونیستی توانایی جدیدی را برای پاسخ‌گویی به اتهامات مطروحه از خود نشان داد. اما به‌طور کلی می‌توان گفت به‌رغم تلاش‌های این رژیم، سازمان ملل متحد اتهامات را مورد بازرسی و تحقیق قرار داد.

گزارش گلدستون

تحقیق و بررسی سازمان ملل در طی عملیات کاست لید و گزارش سال ۲۰۰۹ این سازمان از سوی هیات حقیقت‌یاب در مورد درگیری غزه (به نام گزارش گلدستون) هر دو طرف درگیر یعنی اسرائیل و حماس را به دلیل هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان و ارتکاب جنایات جنگی مورد اتهام قرار دادند. رژیم صهیونیستی به شدت مورد انتقادهای تندی قرار گرفت و به حمله عمدی که برای شکنجه، اهانت، ارباب و ترور جمعیت غیرنظامی و مبارزه کشتار جمعی طراحی شده بود، متهم می‌شد. تمرکز اصلی گروه‌های ضداسرائیلی در آن زمان نامشروع جلوه دادن

سیستم قضایی این رژیم بود بنابراین گزارش، این نظریه که اسرائیل قادر به بررسی عینی جنایات جنگی است را رد کرده و نپذیرفت. این گزارش به شورای امنیت سازمان ملل فرستاده شد تا یک کمیته مستقل برای نظارت بر تحقیقات اسرائیل تاسیس و مکانیسم جدیدی را برای اطمینان حاصل کردن در مورد تطابق این تحقیقات با قوانین بین‌الملل پیشنهاد کند. مطابق استاندارد رویه بین‌المللی باید قبل از تحقیق گروه بین‌المللی به اسرائیل فرصت تحقیق داده شود. با این حال شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد قبل از نتیجه‌گیری و اتمام تحقیقات اسرائیل گزارشی را منتشر ساخت.

اسرائیل از همکاری با بازرسان گلدستون امتناع کرد و مدعی شد که آنها به همراه شورای حقوقی سازمان ملل ذاتا متعصبند و حکم آن را نامنصفانه خواند. این رژیم با طرح اتهاماتی چون هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان بیشتر آشفته شد. قدس این گزارش را در جهت مشروعیت‌زدایی توصیف کرد. اسرائیل با انتشار سه گزارشی مبنی بر اینکه طبق قوانین بین‌المللی است به این اتهامات پاسخ داد و به کارگیری نیروهای نظامی را برای دفاع از خود جهت توقف حماس که غیرنظامیان اسرائیلی را مورد هدف قرار می‌دادند، حق خود می‌دانست. این گزارش‌ها نشان داد که حماس بیشتر از ۳۰۰۰ راکت را در اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی) شلیک کرده بوده و تلاش‌های این رژیم را در همکاری با سازمان ملل برای توافق شلیک راکت‌ها ناموفق توصیف کرد. علاوه بر این، گزارشات اسرائیلی کاربرد پوشش انسانی توسط حماس و پیش‌گیری‌ها و احتیاط‌های نیروی دفاعی رژیم صهیونیستی برای به حداقل رساندن تلفات غیرنظامی و تضمین کمک و تدارکات بشردوستانه به غزه را مورد توصیف قرار داد. آنها تاکید کردند که گزارش گلدستون در انتشار مؤثر تروریسمی بودن حماس ناکام بوده است. این گزارش‌ها بر این استدلال بود که اسرائیل تعداد کشته شدگان غیرنظامی و خسارت‌های مالی را بررسی کرده و همچنین اطلاعات مربوط به ۱۵۰ تحقیق انجام شده قبلی این رژیم را فراهم آورد. اما با این حال این گزارش‌ها با استقبال اندک رسانه‌ها، سازمان‌های غیردولتی و سازمان ملل متحد روبه‌رو شد. رژیم صهیونیستی برای اینکه هیچ‌یک از موارد جنایات جنگی به دیوان دادگستری بین‌المللی فرستاده نشود، با ایالات متحده آمریکا همکاری کرد. آمریکا، اسرائیل و

گروه‌های طرفدار این رژیم تلاش کردند با کم‌رنگ جلوه دادن اعتبار تحقیقات گلدستون این گزارش را بدنام و بی‌اعتبار سازند در آپریل ۲۰۱۱ گزارش گلدستون تحت آماجی از انتقادات و فشار قرار گرفت، به طوری که گلدستون تاحدی از یافته‌های گزارش خود عدول کرده و آن را نادیده گرفت. وی تحت این فشارها تصریح کرد که اسرائیل به طور عمدی غیرنظامیان را هدف قرار نداده بوده و درحقیقت این عمل را حماس انجام داده است. گلدستون همچنین در انتقاد از سیستم قضایی و دادگستری اسرائیل تجدید نظر کرد و تحقیقات نیروی دفاعی این رژیم را در مورد تخلفات، تحسین و مورد حمایت قرار داد. وی اعلام کرد که اسرائیل بیشتر از چهارصد تحقیق انجام داده، در حالی که حماس هیچ تحقیق و بررسی ترتیب نداده است. با این حال گزارش گلدستون به چهره رژیم صهیونیستی آسیب جدی وارد ساخت و به سرعت به یک نقطه مرکزی در مبارزه مشروعیت‌زدایی تبدیل گشت. بسیاری از سازمان‌های غیردولتی با این ادعا که گلدستون به دلیل برخی از انگیزه‌ها گفته‌های خود را تکذیب کرده، به دفاع از این گزارش ادامه دادند و با وجود این، انصراف گلدستون توانایی گروه‌های ضداسرائیلی را در بهره‌گیری از گزارش خسارت اسرائیل با تضعیف مواجه ساخت. دادگاه‌های خارجی بر پایه یک گزارش بی‌اعتبار تمایلی برای محاکمه مقامات اسرائیلی نشان ندادند و وقتی که گلدستون سیستم قضایی این رژیم را حمایت کرد، این دادگاه‌ها از اینکه دیوان دادگستری بین‌المللی وارد مساله شود، صرف‌نظر کردند.

گزارش پالم

در می ۲۰۱۰ زمانی که یک ناو ترکیه در تلاش برای شکستن حصر غزه بود، سربازان رژیم صهیونیستی نه نفر از مسافری این کشتی را به قتل رساندند برای بررسی این حادثه هیات تحقیقی دبیرکل سازمان ملل با نمایندگی پالم تاسیس شد این هیات برای جلوگیری از چنین حوادثی در آینده و ترویج سازش و توافق بین اسرائیل و ترکیه راه‌هایی را پیشنهاد کرد. سازمان‌های غیردولتی و فعالین طرفدار فلسطین، رژیم صهیونیستی را برای نحوه برخورد با کشتی ترکیه انتقاد کرده و آن را به خاطر غیرقانونی بودن محاصره غزه متهم کردند با این وجود نتیجه گزارش پالم این بود که اگرچه به کارگیری بیش از اندازه نیروهای جنگی توسط اسرائیل

را تایید می‌کرد، اما محاصره را قانونی می‌دانست و اعلام کرد که اسراییل در پیروی از حقوق مشروع و اصل دفاع از خود عمل کرده است. یافته‌های این گزارش تقریباً این امر را ناممکن می‌ساخت که از دیوان دادگستری بین‌المللی و سازمان ملل در مساله حمله اسراییل استفاده شود. اما این گزارش در تلاش برای به‌کارگیری ابزارهای قانونی علیه رژیم صهیونیستی گام مهمی بود و پیروزی بزرگ این گزارش را نشان می‌داد. در تشریح مقایسه بین گزارش گلدستون و پالمر چندین عامل کمک می‌کند.

۶۵

نخست هیات گلدستون توسط شورای حقوق بشر به‌شدت سیاسی هدایت می‌شد، درحالی‌که هیات پالمر توسط دبیرکل سازمان ملل متحد مدیریت می‌گردید. دوم هیات گلدستون اساساً متشکل از افرادی با اعتقاد ضداسراییلی بوده، درحالی‌که اعضای هیات پالمر تعصبی نداشته و نمایندگانی از ترکیه و اسراییل را شامل می‌شدند. علاوه بر این، تعهدات این دو هیات نمایندگی تفاوت‌های زیادی داشت، به‌طوری‌که گلدستون وجود نقص حقوق بشر و قوانین بشردوستانه توسط اسراییل را بررسی می‌کردند، درحالی‌که پالمر حقایق این اتفاق و جلوگیری از تکرار این نوع حوادث را مورد تحقیق قرار دادند. رژیم صهیونیستی با همکاری سازمان ملل سرانجام قادر شد از وجود یک گزارش و هیات نمایندگی منصف اطمینان حاصل کند.

سه. اصل عملیات دفاعی

رژیم صهیونیستی در نوامبر ۲۰۱۲ درمقابل شلیک گسترده موشک‌ها اصل دفاع عملیاتی را بر علیه حماس در غزه آغاز کرد. این رژیم مدعی بود که ۵۷ غیرنظامی فلسطینی و ۱۲۰ نظامی کشته شدند، اما فلسطین تعداد کشته شدگان را ۱۰۵ غیرنظامی و ۵۵ نظامی می‌دانست. دیدبان حقوق بشر و سازمان عفو بین‌الملل سازمان ملل متحد به ملایمی بیانیه‌ای را به انتقاد از حماس انتشار دادند، اما انتقادهای آنها به‌مراتب بیشتر متوجه اسراییل بود. دیدبان حقوق بشر، این رژیم را به نقض قوانین جنگی در حداقل ۱۸ حمله هوایی متهم کرد. دیدبان گزارش خود را قبل از اسراییل منتشر کرده و اعلام داشت که منتظر گزارش رژیم صهیونیستی نمی‌ماند؛ زیرا بر این اعتقاد بود که این رژیم تحقیقات ناقصی را انجام می‌دهد. شورای حقوق بشر سازمان ملل

تحقیقاتی را شروع کرد که هم اسرائیل و هم حماس را به نقض قوانین جنگی متهم کرد. گزارش دیدبان حقوق بشر، اسرائیل را در انتخاب هدف‌گیری‌ها به دلیل ناکامی در پیروی از اصول مشخص، متناسب و عدم پیش‌گیری‌ها متهم کرده و از اینکه این رژیم در محدود کردن آزادی عمل خود می‌توانست سنجیده‌تر عمل کند، مورد انتقاد قرار داد.

چهار. عملیات لبه حفاظتی

در ژوئیه ۲۰۱۴ اسرائیل برای جلوگیری از شروع مجدد شلیک موشک‌های حماس عملیات لبه حفاظتی را آغاز کرد. این رژیم اقدامات خود را در مقابل حملات بی‌ملاحظه موشکی اقدامی در جهت دفاع از خود دانست. دیدبان حقوق بشر سازمان ملل متحد رژیم صهیونیستی را به‌خاطر استفاده نامناسب نیروهای نظامی و آشکارا هدف قرار دادن ساختمان غیرنظامی و کشتار گسترده غیرنظامیان متهم کرد. سازمان عفو بین‌الملل اتهامات مشابه‌ای را مطرح ساخت و تحقیق سازمان ملل را ضروری دانست. به‌رغم این حقیقت که هیچ سازمانی در این زمینه توانایی ارائه راه حلی را نداشت، اما به هر حال این نوع دعاوی مطرح شدند اما در یک اقدام مهم دیگر دیدبان حقوق بشر رویکرد معتدل‌تری در مورد درگیری در پیش گرفت و تصریح کرد به نظر حماس با هدف قرار دادن غیرنظامیان مرتکب جنایات جنگی شده است. در این مورد انتقادهای سازمان ملل متحد هم ملایم‌تر از گذشته بود. دبیرکل سازمان ملل با اعلام اینکه هیچ کشوری نباید حملات موشکی را علیه شهروندان تحمل کند، بر فهم و درک اقدامات رژیم اسرائیل تأکید کرد و حماس را برای استفاده از زیرساخت‌های غیرنظامی در راه‌اندازی عملیات محکوم کرد. شورای حقوق بشر سازمان ملل برعکس تحت فشار سازمان‌های غیردولتی ضداسرائیلی به انتقاد این رژیم ادامه داد و اعلام کرد که این اتفاق بایستی تحت تحقیق و بررسی قرار گیرد. رژیم صهیونیستی این مساله را برچسب تحقیرآمیزی دانست و مدعی شد که نتیجه تحقیقات چنین دادگاه غیرقانونی از قبل تعیین شده و قطعی است. دولت یهودی آن را با گزارش گلدستون مقایسه کرد و بر این استدلال بود که شورای حقوق بشر با ناکامی در تحقیق فعالیت‌های حماس این گروه را بیشتر تشویق به فعالیت می‌کرد. رژیم اسرائیل در مقابل هرچه بیشتر خاطرنشان ساخت که به‌خاطر ترس و

نگرانی از کشتار غیرنظامیان حملاتی را علیه هدف‌گیری‌های حماس آغاز کرده بود. تل‌آویو مدعی بود گزارشاتی از ضبط تماس‌های تلفنی به غزه برای هشدار ساکنین در خطر حمله منتشر کرده بود. این رژیم حماس را به استفاده از پوشش‌های غیرنظامی برای قبولاندن به اسرائیل که هیچ غیرنظامی را هدف قرار نداده و عدم قبول حملات و استفاده از زیرساخت‌های غیرنظامی به‌عنوان سکو و پایگاه پرتاب موشک مورد اتهام قرار داد.

پنج. جنبش تحریم و محرومیت‌سازی

در سال ۲۰۰۵ فعالین فلسطینی جنبش تحریم و محرومیت‌سازی را آغاز کردند. مواردی چون ترویج روش‌های غیرماهرانه برای وادارسازی اسرائیل به رفتار عادلانه در مورد فلسطینیان، تاوان دادن جنایات اسرائیل، افشای ماهیت آپارتاید و اشغال‌گر این رژیم همچنین حمایت از فلسطینیان تحت ستم و ظلم از جمله اهداف این جنبش به‌شمار می‌رود. این جنبش با ایجاد موانع سیاسی، قانونی و دیگر موانع به‌دنبال مشروعیت‌زدایی این رژیم بوده، به‌طوری‌که کاربرد قدرت دفاعی نظامی را برای اسرائیل دشوار می‌کرد. علاوه بر این، جنبش تحریم با هدف قراردادن اسرائیل در حوزه‌های تکنولوژی و اقتصادی به‌طور بحث‌برانگیزی یک تحریم آکادمی را گسترش می‌داد. اعضای این جنبش در هفته حوادث آپارتاید اسرائیل در محیط‌های دانشگاهی شرکت می‌کنند تا سیاست‌مداران غربی را متقاعد کنند که اسرائیل یک دولت سرکوب‌گری است که حقوق انسانی و ارزش‌های غربی را نقض می‌کند. این فعالین همچنین با سازمان‌های دانشجویی، کلیساها، اتحادیه‌های تجاری، شوراهای محلی و جنبش‌های اجتماعی در انتشار این پیام آنها که اسرائیل را با نازی مقایسه می‌کند، همکاری کرده است. در سال ۲۰۱۰ فعالین جنبش تحریم به هدف تحریم دو شرکت آمریکایی برای فروش تجهیزات آنها به نیروی دفاعی اسرائیل دانشگاه کلمبیا را تحت فشار قرار دادند. فعالین طرفدار اسرائیل با کمپینی در فیسبوک، تبلیغات در روزنامه کالیفرنیا، رویدادها و یک تمرکز خاص بر رهبران هیات دانشجویی مواجه شدند.

لایحه‌ای توسط مجمع دانشجویان ارائه گردید، اما رییس این مجمع دانشجویی با این لایحه ضداسرائیلی مخالفت کرده و آن را نپذیرفت. در سال ۲۰۱۳ در پی تلاش‌هایی در اروپا به‌ویژه در

بریتانیا، انجمن مطالعات آسیایی - آمریکا، انجمن مطالعات آمریکایی به‌عنوان اولین انجمن‌های علمی آمریکا در حمایت از تحریم آکادمی اسرائیل قطعنامه‌هایی را صادر کردند همچنین در سال ۲۰۱۴ انجمن زبان مدرن چنین تصمیماتی را اتخاذ کرد. بیشتر از ۲۰۰ دانشگاه از جمله هاروارد، پرینستون، MIT و شش سازمان مهم علمی آمریکایی همچنین ۱۳۴ عضو کنگره آمریکا تحریم انجمن مطالعات آمریکا را محکوم کردند. انجمن مطالعاتی آمریکا به‌دلیل فشارهای گروه‌های طرفدار اسرائیل تاحدی از موضع خود عقب‌نشینی کرده و اعتراف کردند که سیاست آنها علیه اسرائیل تبعیض‌آمیز و غیرقانونی بوده است. کمپین جنبش تحریم حتی در انواع فرقه‌های مذهبی مسیحی از جمله فرقه کوپکر در آمریکا و انگلیس تعدی ایجاد کرد. کلیسای سوئد از این تحریم‌ها علیه شرکت‌های واقع در شهرک‌های اسرائیلی حمایت کرده و حضور این رژیم را در کرانه باختری به‌عنوان یک نفرت و جنگ علیه خدا قلمداد کردند. کلیسا متحد کانادا در تحریم محصولات شهرک‌های اسرائیلی برای متقاعد ساختن مصرف‌کنندگان کمپینی را شروع کردند. «کلیسای متحد متدیست» به‌عنوان بزرگ‌ترین فرقه پروتستان در ایالات متحده آمریکا منحصر در مورد شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که به نیروی دفاعی اسرائیل تجهیزات می‌دادند به حمایت از تحریم محصولات تولید شده در شهرک‌های اسرائیلی رای دادند. پیشنهاد کلیسای پرسبیتی برای تحریم شرکت‌های تجاری طرف نیروهای دفاعی اسرائیل به شکست مواجه شد، اما پیشنهاد بعدی آن که برای گسترش سرمایه‌گذاری مثبت به امید ترویج صلح مطرح شد، توسط اکثریت قابل توجهی مورد قبول واقع گردید. اسرائیل و حامیانش بر این استدلال بودند که هدف نهایی جنبش تحریم نابودی این رژیم است و معتقد بودند که فعالین این جنبش یک روایت تاریخی متعصبانه‌ای را ارائه می‌دهند که در تقابل با شکل‌گیری فرایند صلح و آزادی علمی است، حتی گاهی هم به آنتی سمیتیزم تغییر رویه می‌دهد. آنها این جنبش را به‌دلیل اینکه به‌دنبال تضعیف این گروه‌ها و سخنگویان طرفدار اسرائیل همچنین محروم کردن اسرائیل از حقوق می‌باشند، مورد اتهام قرار دادند. آنها معتقدند که متهم کردن اسرائیل به نقض حقوق بشر بدون در نظر گرفتن این تخلفات بشری در دیگر کشورها، نه‌تنها ناعادلانه است، بلکه منجر به بی‌اعتنایی انتقادهای مشروع در موضوع اسرائیل می‌شود. اسرائیل همچنین برای ترویج تورسم به

اسرائیل و سرمایه‌گذاری در آنجا یک کمپینی را آغاز کرد و دستاوردهای علمی و فنی را به‌عنوان ابزار فزاینده آگاهی مثبت، برجسته جلوه داد.

شش. گزینه راه حل یک دولت

ناکامی در تصمیم‌گیری ستیز بین اسرائیل و فلسطین به‌جای برنامه راه حل پذیرفته شده بین‌المللی دو دولت که از هر دولت خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی رسماً حمایت می‌کند، منجر به تمایل بیشتر به راه حل یک دولت شده است. این توجهات روبه گسترش به نظر از تفکرات سه گروه ناشی می‌شود:

یک گروهی که با ناامیدی از پیشرفت‌های گزینه راه حل دو دولت به‌دنبال یک جایگزین هستند؛ دو گروهی که معتقد به زندگی کردن اعراب و یهودیان به‌طور دوستانه در یک دولت دموکراتیک است، اما این تفکر شاید به نظر ساده‌انگارانه و غیرواقعی باشد؛ و

سه گروه سوم با تأکید بر مخالفت رژیم صهیونیستی به آنچه که ظاهراً راه حل نهایی دموکراتیک است، در تلاشند که از ایده راه حل یک دولت به‌عنوان مرحله‌ای از مبارزه مشروعیت‌زدایی استفاده کنند.

از دیدگاه رژیم اسرائیل گزینه راه حل یک دولت نشدنی است و به ناپودی آن می‌انجامد فلسطینیانی که پیش از این برای یک دولت یک‌پارچه امروز اکثریت اندکی داشته‌اند، به مرور زمان گسترده شده و پایان ویژگی یهودیت اسرائیل را متضمن خواهند شد. گزینه راه حل یک طرف از روزهای نخستین مبارزه راه حل مرجح و مقدم اعراب بوده است. افزایش توجهات بیشتر متوجه فلسطین بوده است. به‌رغم این، حتی گزینه راه حل یک دولت به جنبش تحریم مرتبط بوده و تاکتیک‌های این جنبش برای پذیرش آن توسط اسرائیل را لازم و ضروری دانسته است. به‌طور کلی، می‌توان گفت این گزینه به یک ابزاری در جهت مشروعیت‌زدایی رژیم صهیونیستی تبدیل شده است.

نتیجه‌گیری

در مبارزه مشروعیت‌زدایی تلاش‌های بسیاری صورت گرفته و اسرائیل و طرفدارانش به این

امری بر دند که آنها باید برای دفاع از خودشان در مقابل کمپین مشروعیت‌زدایی اقداماتی بیش از این انجام دهند تا این تاریخ کمپین ضداسرائیلی تنها با موفقیت‌هایی اندکی مواجه بوده و رژیم صهیونیستی در سراسر جهان، با کشورها و شرکت‌هایی که در تمام زمینه‌ها از جمله حوزه نظامی همکاری با این رژیم را ادامه می‌دهند، تعاملات اقتصادی، دیپلماتیک و فرهنگی دارد. جنبش تحریم حتی در بهترین شرایط به نظر موفقیت‌های اندکی داشته است و نه دیوان بین‌المللی دادگستری و نه دیوان کیفری بین‌المللی هیچ مواردی را در مورد اسرائیل نپذیرفته‌اند. بسیاری از تلاش‌ها برای طرح موارد قضایی در دادگاه خارجی علیه مقامات این رژیم با شکست مواجه بوده و هیچ دادگاه خارجی مواردی مبنی بر ادعای جنایات جنگی را نپذیرفته است. استرداد گزارش گلدستون و تایید قانونی بودن سیاست‌های اسرائیلی در گزارش پالمر موضع این رژیم را تقویت کرد. اسرائیل آموخته است که همیشه برای حملات باید آماده باشد و توسعه ابزار جدید را برای مقابله با این حملات ادامه می‌دهد. علاوه بر این، تاثیر فزاینده این اقدامات بر جایگاه بین‌المللی اسرائیل بیشتر شده است. این رژیم به طور کلی در افکار عمومی منفور و همچنین از لحاظ دیپلماتیک منزوی می‌شود. حتی اگر اسرائیل بتواند زبان افکار عمومی اروپایی را تحمل کند، به‌سادگی نمی‌تواند عدم حمایت افکار عمومی آمریکایی را که در آن کمپین ضداسرائیلی تهاجمات خطرناکی را صورت داده‌اند، تحمل کند. رژیم صهیونیستی مدت طولانی است که تلاش‌هایی در زمینه دیپلماسی عمومی داشته و حتی گاهی برای این امر یک وزارت کابینه مستقلی را پیش‌بینی کرده بود. با این حال سازمان بازرسی دولت اسرائیل به‌عنوان ارگان ناظر قدرتمند و بانفوذ اشاره کرده که در تلاش‌های این رژیم در زمینه دیپلماسی عمومی نقاط ابهامی از جمله فقدان یک دستگاه هماهنگ‌کننده و راهبرد ملی کلان، عدم هماهنگی کافی بین وزارت‌خانه‌ها و مؤسسات دولتی، کمبود منابع، وجود دارد. این سازمان بر این استدلال بود که کمپین اطلاعات عرب به یک تهدید راهبردی تبدیل شده و واکنش موثری را توصیه کرد.

اسرائیل به این حقیقت پی برده است که باید تهدیدات سازمان‌های غیردولتی را در نظر گیرد و به آرامی تغییراتی را ایجاد کند. وزارت خارجه، وزارت دادگستری و نیروی دفاعی اسرائیل قابلیت‌ها و توانایی‌های خود را در این زمینه گسترش داده‌اند. مقامات دولتی تلاش کرده‌اند با

به‌چالش کشیدن اعتبار و بی‌طرفی این سازمان‌ها از آنها پیش افتاده و اوضاع را به‌نفع خود تغییر دهند. آنها در تلاش هستند که با بررسی موارد بحث‌برانگیز قبل از سازمان‌های دولتی از آنها جلوتر افتاده و همچنین یک تصویر مثبتی را از این رژیم ترویج دهند. اتاق‌های وضعیت اجرایی دانشجویی این رژیم در مقابله با ادعاهای ضداسرائیلی در رسانه در طی عملیات ۲۰۱۲ علیه حماس با موفقیت عمل کردند. سازمان‌های غیردولتی طرفدار اسراییل برای مقابله با مشروعیت‌زدایی کمک بسیاری کرده‌اند. گروه‌هایی از قبیل گروه کنترل‌کننده NGO بر اعتبار سازمان‌های غیردولتی متمرکز شده‌اند و استدلال می‌کنند بین ماموریت‌های اعلان شده از سوی آنها برای توسعه حقوق بشر و تمرکز نامناسب این سازمان‌ها بر اسراییل تفاوت‌ها و اختلافاتی وجود دارد، به نحوی که این تعصبات به دستورکارهای جانبدارانه، فرایندهای عضوگیری سیاسی شده، عدم شفافیت در تخصیص منابع آنها منتهی شده است. محیط‌های دانشگاهی منحصرآسیب‌پذیر باقی می‌مانند، ولی در سال‌های اخیر حداقل به‌صورت جزئی با منابع بیشتری در مورد افزایش آگاهی از خطرات همراه بوده است. اما با وجود این، رژیم صهیونیستی به‌رغم تلاش‌های گسترده‌ای که توسط سازمان‌های غیردولتی و برخی کشورها علیه آن صورت گرفته، تاکنون منابع کافی را برای مقابله با این‌گونه تلاش‌ها اختصاص نداده است. تحریم همه نشست‌های مجامع سازمان ملل فارغ از نگرانی و ترس توجیه شده آنها که ذاتا جانبدارانه خواهد بود، امری کوتاه‌بینانه است. به‌جای این، اسراییل باید به‌دنبال تعامل و همکاری با سازمان ملل و گروه‌های تحقیقی آن باشد یا در غیر این صورت حداقل با یک نگاه منطقی همچون مورد هیات نمایندگی پالمر به دنبال متعادل‌تر کردن این نوع گروه‌ها باشد. علاوه بر این، رژیم اسراییل باید برای اطمینان حاصل کردن از نهادهای کمتر سیاسی شده چون نهاد دبیرکل سازمان ملل متحد که نظارت و کنترل چنین تحقیقاتی را عهده دارند، تلاش‌های بسیاری را انجام دهد. در بسیاری از موارد حتی در مهم‌ترین آنها اثبات این امر تحقق پیدا نخواهد کرد. البته در برخی از آنها امکان‌پذیر است و این‌گونه موارد اندک برای شنیده شدن پیام اسراییل از اهمیت بسیاری برخوردار خواهد بود. رژیم صهیونیستی باید با فراهم‌آوری پرسنل و سرمایه‌گذاری بیشتر در مقابله با چنین مسائلی، از سازمان‌های وابسته به خود حمایت و آنها را مورد تشویق قرار دهد. مجموعه

این سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز در مقایسه با مبالغ سرمایه‌گذاری شده در بخش دفاعی و خسارت‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی و آسیب‌هایی که به جایگاه بین‌المللی اسرائیل وارد می‌شود، بسیار اندک است. اسرائیل باید برای مقابله با به کارگیری ابزارهای قانونی و تحریم‌ها حامیان و طرفداران خود را در سراسر جهان مورد حمایت قرار دهد. به طور کلی می‌توان گفت کمپین مشروعیت‌زدایی در درازمدت چالش راهبردی برای امنیت اسرائیل به‌وجود خواهد آورد.